

میزگردی با مؤلفان، معلمان و کارشناسان گروه زبان خارجی

زبان‌های خارجی غیرانگلیسی، فراموشی یا بی‌توجهی؟

زبان‌های خارجی غیرانگلیسی پشت درهای بی‌توجهی، دردی کهنه در انتظار علاج

گزارش: زهرا حکیم آرا



Roshd
& Teachers

اشاره

با گذشت حدود سی سال از تصویب آموزش زبان‌های خارجی غیرانگلیسی در برنامه‌ی درسی و به‌رغم تلاش کارشناسان و مؤلفان کتاب‌های درسی زبان‌های خارجی غیرانگلیسی، آمار تعداد زبان‌آموزان نشان می‌دهد که حمایت‌چندانی از گسترش این زبان‌ها صورت نگرفته و مشکلات و چالش‌های فراوانی در این مورد هنوز باقی است. در میزگردی با حضور استادان، کارشناسان و مدرسان زبان‌های غیرانگلیسی، مشکلات موجود به بحث گذاشته شد تا با نگاهی آسیب‌شناسانه ریشه‌های مشکلات پیش‌رو شناسایی و راه‌حل‌های احتمالی مشخص شود.



حاضران در میزگرد

دکتر محمدرضا عنانی سراب (سرمدبیر مجله رشد آموزش زبان‌های خارجی، عضو شورای برنامه‌ریزی و تألیف گروه زبان‌های خارجی)، شهلا زارعی نیستانک (مدیر داخلی مجله رشد آموزش زبان‌های خارجی)، دکتر سیدبهنام علوی مقدم (کارشناس مسئول گروه زبان‌های خارجی، مدیر شورای برنامه‌ریزی و تألیف)، دکتر نادر حقانی (عضو هیئت علمی گروه زبان آلمانی و رئیس مرکز پژوهشی زبان‌های خارجی دانشگاه تهران)، دکتر رحمتیان (عضو هیئت علمی و مدیر گروه زبان فرانسه در دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر هدا خیاط (عضو هیئت علمی گروه زبان فرانسه)، دکتر ژاله کهنمویی پور (عضو هیئت علمی گروه زبان فرانسه)، خانم فیض‌اله‌زاده (طراح سؤال زبان آلمانی)، نیلوفر مبصر (عضو هیئت علمی گروه زبان آلمانی)، صدیقه وجدانی (کارشناس زبان آلمانی، مسئول سابق زبان آلمانی در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی)، خانم اتابکی (مدرس و کارشناس زبان فرانسه).

عنانی سراب: جلسه ما درباره زبان‌های غیرانگلیسی در برنامه درسی است. برنامه درسی زبان‌های غیرانگلیسی به دهه اول بعد از انقلاب برمی‌گردد و در آن زمان بود که این زبان‌ها به برنامه درسی اضافه شدند. قرار بود این زبان‌ها در کنار زبان انگلیسی در مدارس که امکانات لازم را دارند ارائه شوند و به تدریج گسترش یابند اما در عمل پیش‌بینی‌ها محقق نشد و زبان‌های غیرانگلیسی در حال حاضر فقط در تعداد معدودی از مدارس تدریس می‌شود. تا به حال هم بحث‌های زیادی درباره چرایی عدم تحقق پیش‌بینی‌ها مطرح شده است. محور این جلسه دلایل عدم تحقق این پیش‌بینی‌هاست. پرسشی که در این زمینه می‌توان مطرح کرد این است که آیا سیاست‌گذاری‌های آموزش این زبان‌ها با واقعیات منطبق بوده است که بتوانیم انتظار گسترش آن‌ها را داشته باشیم. به عبارت دیگر، تا چه حد جایگاه این زبان‌ها در مقایسه با زبان انگلیسی در سیاست‌گذاری‌ها لحاظ شده است؟ آیا امکانات کافی (کتاب و معلم) در مناطق آموزشی فراهم بوده است تا گسترش براساس پیش‌بینی‌ها محقق شود؟

حقانی: یکی از اسناد بالادستی در خصوص سیاست‌گذاری‌ها نقشه جامع علمی کشور است که می‌توانست نقش زبان‌های خارجی را برجسته کند. در غیاب سیاست‌گذاری‌های مدون در خصوص زبان‌های غیرانگلیسی بحث‌ها و تصمیم‌گیری‌ها ابتر می‌ماند. مشخص نیست چرا آموزش و پرورش این زبان‌ها را برای آموزش انتخاب کرده است، چه نگاهی به این زبان‌ها وجود دارد و چرا زبان انگلیسی را ادامه می‌دهد؟ ما در جریان تولید راهنمای برنامه درسی به دنبال خط‌مشی‌ها می‌گشتیم و اینکه چرا چنین

اتفاقاتی افتاده است. این بود که به شورای عالی آموزش و پرورش و مستنداتی در آنجا رسیدیم که چه درسی در چه مقطعی و در چه سطحی باید شروع شود. در واقع، تنها سند موجود مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش در خصوص تدریس زبان‌های خارجی بود. باید دید که آیا این سیاست‌های کلی است که در سطح کلان تأثیر می‌گذارد؟ آیا علاقه‌مندی افراد در جامعه و تأسیس رشته‌های دانشگاهی است که ما را وامی‌دارد به این زبان‌ها بپردازیم؟ آیا گسترش آموزشگاه‌های زبان خارجی و پر بودن ظرفیت آن‌ها و نیز آمار دانشجویان در کشورهای غیرانگلیسی‌زبان و اروپاست که باعث شکل‌گیری بحث آموزش این زبان‌ها می‌شود؟ و اینکه وجود چه ضعف‌هایی مانع شکل‌گیری درست این بحث می‌شود.

علوی مقدم: همان‌طور که می‌دانیم یکی از نهادهای تصمیم‌گیرنده درباره اینکه چه زبانی در برنامه درسی ارائه شود، شورای عالی وزارت آموزش و پرورش است. قبلاً آلمانی، انگلیسی و فرانسه به‌عنوان زبان‌های خارجی مطرح شده بودند و حدود یک سال پیش این شورا شش زبان را به‌عنوان زبان خارجی مطرح کرد: انگلیسی، آلمانی، فرانسه، روسی، اسپانیایی و ایتالیایی. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی هم موظف شد که تدوین این کتاب‌ها را در برنامه خود قرار دهد. بنابراین، در اسناد بالادستی به زبان‌های دیگر هم اهمیت کامل داده شده و قطعاً نیازسنجی‌هایی هم به‌دلیل ارتباطات بین‌المللی در این زمینه انجام گرفته است. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی نیز با توجه به رویکرد خودباورانه فعال، کتاب‌های جدیدی از جمله فرانسه و آلمانی فعلی را تألیف می‌کند ولی به‌هر حال باید سیاست کشور به‌سمتی حرکت کند که زبان‌های دیگر هم در برنامه درسی قرار بگیرند. با این شیوه پیش‌زمینه‌ای هم برای کسانی که در دانشگاه وارد این رشته‌ها می‌شوند، به‌وجود می‌آید.

رحمتیان: ذهنیت ما در ایران در خصوص آموزش زبان‌های خارجی با ذهنیت کشورهای دیگر متفاوت است. دانشگاهی که من در فرانسه در آن تحصیل می‌کردم، ۱۰۵ هزار دانشجو داشت؛ سه دپارتمان مخصوص زبان فارسی، آن هم فارسی باستان، در دانشگاه وجود داشت و تاریخ و فرهنگ و تمدن ایرانیان را مطالعه می‌کردند اما ما زبان خارجی را مانند یک ابزار مادی و روزمره درس می‌دهیم، نه ابزاری برای شناخت فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر. اراده گسترش زبان‌های غیرانگلیسی فقط روی کاغذ آمده است. جمله معروفی بود که «به‌خاطر خارج شدن از سلطه زبان انگلیسی باید به زبان‌های دیگر هم توجه کرد» اما در این زمینه مدارس ما بسیار ضعیف عمل کردند. حتی در طرح‌های پودمانی تربیت‌معلم تابستان هم در ابتدا استقبال کردند اما پیگیری‌ای از

طرف مسئولان صورت نگرفت. به هر حال، بحث تقاضا هم هست. البته توجه و پیگیری به این مسئله از بالا وجود نداشت. تمایل دانش‌آموزان هم کم شد. از طرفی، معلمان هم چون آموزش ضمن خدمت نداشته‌اند، سطح زبانشان افت کرده است. بنابراین، یکی از عوامل دخیل تربیت معلم است که در مراکز تربیت معلم به آن پرداخته شود. بحث دیگر بحث خانواده‌هاست؛ خود خانواده‌ها تمایلی برای فرستادن فرزندانشان به کلاس غیر زبان انگلیسی ندارند. یکی از دلایل عدم استقبال آن‌ها شاید در دسترس نبودن کلاس‌هاست. باید در هر منطقه‌ای حداقل یک کلاس غیر زبان انگلیسی باشد. باید توجه داشت که ضرورت یادگیری یک زبان در مطالعات فرهنگی است. متأسفانه این تفکر که این زبان‌ها زبان‌های اروپای غربی یعنی استعمارگران قدیم هستند، تا حدی در کمرنگ شدن میل به آموختن آن‌ها تأثیر داشته است.

رحمتیان: آموزش و یادگیری زبان باید به صورت فرهنگ در آید



رحمتیان: باید اول آموزش و پرورش شرایط و امکانات لازم را آماده کند و پشتوانه اجرایی آن را بپذیرد. آموزش و یادگیری زبان باید به صورت فرهنگ در آید.

وجدانی: زبان جنبه مادی پیدا کرده است. افراد برای هدف‌های مادی خاص خود، مثل مهاجرت و ادامه تحصیل، به زبان آموزی می‌پردازند. به یاد دارم که ما در سال ۱۳۶۳ کتاب تهیه کردیم، آموزش ضمن خدمت گذاشتیم، با انجمن ایران-اتریش همکاری می‌کردیم و معلم اعزام کردیم. با اینکه برنامه‌ها ایراداتی داشتند، تا سال ۷۸ هم زبان‌آموزی خیلی خوب پیش رفت اما باز هم با تغییراتی که ایجاد شد، برنامه تا حدی عقب افتاد. حتی گروه آلمانی تنها گروهی بود که راهنمای روش تدریس داشت اما ایرادی که وارد است این است که انگار سیاست مشخصی برای زبان‌آموزی وجود ندارد. الان با سیستم جدید آموزشی، یعنی شش سه سه، می‌توان طرح توسعه جدیدی برای زبان‌ها مطرح کرد. می‌توان هنرستان‌ها را دوباره فعال نمود و همراه با رشته‌های فنی، زبان آلمانی را دوباره به درستی وارد نظام آموزشی کرد.

علوی مقدم: دانش خانواده‌ها درباره یادگیری این زبان‌ها و آشنایی آن‌ها با این مسئله بسیار مهم است؛ وقتی تقاضا نیست، قطعاً در عرضه هم مشکلاتی خواهد بود. از تعداد مدارس که مجری تدریس این زبان‌ها بوده‌اند کاسته شده است، دبیران این زبان‌ها هم حالا یا مدیران اجرایی هستند یا درس‌های دیگری را تدریس می‌کنند. گاهی ممکن است تعداد محدودی از مدارس غیرانتفاعی هم، البته به طور غیررسمی، تن به اجرای طرح تدریس زبان‌های غیرانگلیسی بدهند.

کهنمویی پور: هیچ زبانی در دنیا در جایگاه زبان خارجی اول، جای زبان انگلیسی را نگرفته است. تا بوده، زبان‌های غیرانگلیسی در مدارس اجباری نبوده‌اند. تنها راه جذب مردم به سمت یک زبان خارجی دیگر، در نظر گرفتن زبان دوم خارجی در کشور است. الان در لبنان، مالزی و کشورهای همسایه، مردم زبان دوم خارجی دارند. ما فقط یک زبان خارجی داریم که آن هم سه ساعت در هفته در مدارس تدریس می‌شود.

عنانی سراب: همین‌طور است و به نظر می‌رسد نظرات و ایده‌ها باید منطبق بر واقعیات باشند.

فیض‌الله زاده: من به عنوان یک طراح سؤال زبان

عنانی سراب: مخاطبان برنامه درسی، یعنی دانش‌آموزان دوره دبیرستان، هنوز نیازهای آینده‌شان مشخص نشده و انتخاب زبان خارجی برایشان آسان نیست. پس، این وظیفه پدر و مادرهاست که با بررسی نیازهای آینده فرزندانشان به آن‌ها در انتخاب کمک کنند. باید یک برنامه تبلیغاتی و آگاه‌سازی وجود داشته باشد و خانواده‌ها را در این زمینه مهم یاری دهد.

آلمانی از راهنمایی تا دبیرستان، نهایی، سوم و ادارهٔ سنجش آموزش و پرورش، سؤال طرح می‌کنم و می‌بینم که متقاضی کم نیست. حتی در دستورالعمل‌های سنجش آمده است که زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی در بارم‌بندی سؤالات شبیه به هم باشند. از مدرسهٔ وزارت امور خارجه در نیاوران، هر سال برای پیش‌دانشگاهی حدود بیست و هفت هشت ورقه می‌آید. به نظر می‌رسد متقاضی هست اما حمایت کم است.

رحمتیان: برای رسیدن به نتیجهٔ مطلوب باید براساس آسیب‌شناسی‌ها، راه‌حل‌ها و پیشنهادهای جمع‌آوری شده و به‌صورت مکتوب به شورای عالی برنامه‌ریزی منعکس شوند. به‌نظر من اگر قرار است برنامه‌ای اجرا شود، چرا پایه‌ای نباشد؟ همه به‌خوبی مستحضرید که چهار تا شش سالگی بهترین زمان و شرایط برای یادگیری زبان خارجی است؛ شش تا نه سالگی شرایط برای زبان‌آموزی بسیار خوب است؛ و از نه تا یازده سالگی شرایط خوب است. چون تارآواها هنوز منعطف‌اند و ذهن آمادگی کامل دارد. بعد از آن در دبیرستان زبان مثل ریاضیات به‌شکل تحلیلی آموخته می‌شود. یعنی تمام زحمات‌ها برای برنامه و شیوهٔ ارتباطی فعال و خودباورانه به هدر می‌رود و دوباره یک نظام سنتی و ناکارآمد خودبه‌خود جایگزین می‌شود. پس، آموزش زبان از همان زمان آموزش ابتدایی اگر اجباری شود، بهتر است. این تصمیم‌ها باید در سطوح بالا اخذ گردد و به‌عنوان قانون پذیرفته شود.

عنائی سراب: به‌هر حال مسئلهٔ آموزش زبان‌های غیرانگلیسی جزء مصوبات شورای عالی است؛ یعنی قانون است. بنابراین، ما به‌دنبال راه‌حلی هستیم که بتوان به اشاعهٔ بهتر این زبان‌ها پرداخت. همه چیز هم به این جلسه ختم نمی‌شود اما این جلسه می‌تواند سرآغازی برای شناسایی محورهای قابل بحث و موضوعات تخصصی‌تر باشد تا آسیب‌شناسی انجام گیرد و متخصصان زبان‌ها نظر بدهند و بعد به این راه‌حل‌ها رسیدگی شود.

خیاط: من سال‌هاست در مدرسه مهدوی کار می‌کنم و در دورهٔ راهنمایی هم آموزش زبان فرانسه داریم. مشکل ما این است که به‌رغم همکاری ما با آموزش و پرورش، امسال کتاب درسی به اندازهٔ کافی

نبود. همین شد که کپی گرفتیم و با دشواری زیاد کتاب را به بچه‌ها رساندیم. استفاده از کپی انگیزهٔ بچه‌ها را کم می‌کند.

کهنمویی: یک مسئلهٔ مهم همین کنکور است. خیلی اوقات سؤالات این زبان‌ها غلط هستند. همین باعث می‌شود افراد زبان انگلیسی را در آزمون‌ها انتخاب کنند.

خیاط: نکته این است که ما باید کتاب درسی آموزش و پرورش را به دانش‌آموزانمان ارائه کنیم نه کتاب‌های موجود در بازار را. این هم نمونهٔ دیگری از مشکلات و عدم حمایت‌هاست.

مبصر: به‌خاطر دارم که سال ۱۳۶۲ اولین کلاس آلمانی را خودم راه‌اندازی کردم و تشویق‌نامهٔ آقای حداد عادل، ریاست وقت سازمان، هم هنوز هست. متأسفم که بعد از این همه سال کسی پی درمان این دردهای کهنه نیست؛ درد معلوم است و لاعلاج نیست اما کسی به‌دنبال درمان نیست. در ضمن معتقدم که خیلی خانواده‌ها از ضرورت یادگیری این زبان‌ها آگاه‌اند اما در دسترس بودن این مدارس هم مهم است. وقتی پشتیبانی و حمایت از برنامه صورت بگیرد، همه چیز در دسترس خواهد بود.

حقانی: من با خانم مبصر و دیگر دوستان موافقم و صحبت‌ها نشان می‌دهد که دردها همچنان باقی مانده و کهنه شده‌اند. اجازه بدهید آماری را ارائه کنم؛ در کشورهای اتحادیهٔ اروپا ۹۳ درصد از تمامی بچه‌ها انگلیسی، ۳۳ درصد فرانسه و ۱۳ درصد آلمانی انتخاب می‌کنند. یکی از جنبه‌های مثبت این اتحادیه چندفرهنگی بودن با زمینه‌های متعددی است که می‌تواند به غنی‌سازی آن فرهنگ‌ها بینجامد ولی از طرفی برای متعین کردن

حقانی: یکی از اسناد بالادستی در خصوص سیاست‌گذاری‌ها نقشهٔ جامع علمی کشور است که می‌توانست نقش زبان‌های خارجی را برجسته کند. در غیاب سیاست‌گذاری‌های مدون در خصوص زبان‌های غیرانگلیسی بحث‌ها و تصمیم‌گیری‌ها ابتر می‌ماند.



کهنمویی پور: تنها راه جذب مردم به سمت زبان‌های خارجی دیگر در نظر گرفتن زبان دوم خارجی در کشور است



خارجی‌اش است؛ در واقع، در این بخش هم مهارت ارتباطی فرد مهم است، و بدون زبان این مهارت ارتباطی متعین نخواهد شد. برای این بخش نیاز به یک بخش ارتباطی است تا برنامه پیش برود. درست است که شورای عالی آموزش و پرورش آموزش زبان‌های خارجی را مصوب کرده اما مسئله از اینجا شروع می‌شود و به همین جا هم ختم نمی‌شود؛ یعنی، وقتی قرار است با این مصوبه، این مهارت به‌عنوان بخشی از ماده درسی در نظام آموزشی وارد برنامه درسی شود، فقط با امضای شورای عالی این اقدام صورت نمی‌گیرد. به دنبال تصویب، امکانات و نیروی انسانی و برنامه درسی لازم است. برای مثال، در برنامه درسی زبان عربی به‌عنوان یک زبان ارتباطی تعریف شده است؛ در حالی که در شورای عالی زبان عربی به‌عنوان زبان متون دینی مطرح است. بدیهی است این تناقض بین سیاست زبانی و نقشه یادگیری در برنامه درسی دسترسی به اهداف را مشکل می‌کند. بنابراین، ضمن درک نظام آموزشی حاکم، باید این مشکل چندوجهی در آموزش زبان‌های غیرانگلیسی را از این طریق حل کرد که ببینیم بعد از تصویب این برنامه در شورای عالی، مشکل دقیقاً کجاست. چون در زمینه علمی، تربیت مدرس و امکانات آموزشی و برنامه درسی دوستان همه تلاش خود را می‌کنند. باید دید که آیا مشکل در مکاتبات یا پیگیری ابلاغ‌ها بوده است یا برنامه‌ها منتقل نشده‌اند. اگر این روش پیاده شود، نا امید نمی‌شویم و زودتر و سریع‌تر به نتیجه خواهیم رسید.

وجدانی: می‌توان هنرستان‌ها را دوباره فعال کرد و با رشته‌های فنی، زبان آلمانی را دوباره به درستی وارد نظام آموزشی کرد



این فرهنگ‌ها و عینیت یافتن آن‌ها در زندگی روزمره مردم، با آموزش زبان‌های مختلف فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون آموزش داده می‌شوند و به این ترتیب از سیطره یک زبان خاص هم جلوگیری می‌کنند. آموزش مدرسه‌ای در کنترل دولت‌هاست. این بدان معنی است که در آموزش مدرسه‌ای که شخصیت یک فرد در حال شکل‌گیری است، نظام حاکم است. مهم این است که در چه مقطعی کدام ماده درسی وارد شود. پشت تمام این‌ها تحقیقات روان‌شناختی وجود دارد و هیچ کدام طبق سلیقه خاصی پیش نمی‌رود. هدف تعلیم و تربیت هم نباید منافاتی با منافع جهانی داشته باشد. در یک نظام آموزشی، فرد برای درک جهان و استغنای فرهنگی خود باید با سه حوزه زبان، ریاضیات، علوم طبیعی آشنا شود و این سه پایه اصلی تفکر است. جهان تغییر کرده است؛ ارتباطات زیاد فرهنگی وجود دارد. انگلیسی به ذات خود زبان بین‌المللی نیست بلکه زبان ابزاری بین‌المللی است. زبان ابزار است و دانستن آن مهارت است. در جهان امروز وقتی مهارت‌های یک انسان را تعریف می‌کنند، اولین مهارت زبان او و دومین مهارت زبان